

مهم‌ترین شبهات درباره‌ی حجاب و پاسخ آن

نیر عباس^۱

چکیده

بحث پوشش و حجاب از نظر دین همواره مورد نقد و انتقاد قرار گرفته است به گونه‌ای که عده‌ای از مردم پوشش و حجاب اسلامی را رد کرده آن را خلاف طبیعت انسان می‌دانند. امروزه با توجه به پیشرفت مادی بشریت، مدعیان آزادی انسان شبهه‌های گوناگون درباره‌ی پوشش اسلامی و حجاب ایجاد کرده‌اند و حجاب اسلامی را سد راه در پیشرفت زنان معرفی کرده‌اند. از این رو دین بعنوان ایجاد کننده‌ی محدودیت‌ها در پیشرفت انسان، اساس دین و حقیقت آن مورد سؤال قرار گرفته است. در این مقاله سعی شده است که مهم‌ترین شبهاتی را که معمولاً پیش می‌آیند و زنان مسلمانی زیر اثر تبلیغات غربی‌ها و افراد ضد دین برای بدحجابی خود از اینگونه شبهات استفاده می‌کنند به وضوح تشریح کرده پاسخ داده شود.

کلیدواژه‌ها: حجاب اسلامی، آزادی، پوشش، لباس، هوس بازی، حجاب اجباری

^۱. کارشناسی کلام اسلامی جامعه المصطفیٰ علیه السلام العالمیه خراسان

اکنون در جامعه درباره حجاب شبهاتی گوناگون وجود دارد مانند؛ من نمی‌خواهم نا آگاهانه مثل مادرانم حجاب داشته باشم، نمی‌خواهم کهنه پرست باشم، نمی‌خواهم تحقیر شوم، نمی‌خواهم از دیگران کمتر باشم، نمی‌خواهم بدون انگیزه و هدف کاری را که پدر و مادرم می‌گویند انجام دهم و... اصلاً کجای قرآن نوشته که زن باید حجاب داشته باشد؟ مردان هر کاری که دلشان می‌خواهد می‌کنند و همه محدودیت‌ها برای زنان در نظر گرفته شده است. چرا نمی‌گذارید همه آزاد باشند تا مسئله عادی و طبیعی شود و دیگر هیچ حساسیتی وجود نداشته باشد؟ شما آنقدر سخت گرفته‌اید که حتی اگر زنی در خانه‌اش تنها باشد بخواهد نماز بخواند می‌گویید در حال نماز باید حجاب داشته باشد، مگر خدا مرد است که باید از او هم رو گرفت؟ می‌خواهیم بدانیم بی حجاب بودن ما چه ضرری برای دیگران دارد؟ من هر طور دلم بخواهد لباس می‌پوشم و آرایش می‌کنم این به دیگران چه ربطی دارد؟ من که به قصد ایجاد انحراف و فساد آرایش نمی‌کنم. از این گذشته چرا به مردها نمی‌گویید نگاه نکنند و زن‌ها باید خود را بیوشانند؟ این‌ها سوالاتی هستند که در بین افکار مردم عادی ریشه گرفته‌اند. برای پاسخ به این شبهات باید ما مسئله را بیشتر مطرح کنیم تا پاسخ آن به وضوح تبیین شود. این مقاله به انسان کمک می‌کند که با دستور و فلسفه‌ی دین درباره حجاب آشنا شده و حقیقت حجاب را کشف و درک کند.

علت اعتراض به حجاب اسلامی

خیلی از خانم‌های بی حجاب یا بد حجاب نه فقط این که بی‌دین و کافر نیستند بلکه خدا را قبول دارند، قرآن را قبول دارند، خیلی هم مومن هستند و نمی‌خواهند خدا از آنها ناراضی باشد. قدر ناشناس هم نیستند، می‌دانند که خدا چقدر به آنها نعمت داده است، بلکه غرق در نعمت‌های او هستند و دوست دارند هر روز به او نزدیک‌تر شوند و او را از خودشان راضی‌تر کنند. در مسائل دقت کنند، آنها را بفهمند و آنطور که درست است زندگی کنند نه آنطور که دیگران به آنها تحمیل می‌کنند. این‌ها دچار شبهاتی شده‌اند که از طرف استعمارگران و شهوت طلبان القا شده است. به‌عنوان مثال می‌گویند که وقتی این همه خانم‌ها بی حجاب هستند حجاب داشتن من چه فایده‌ای دارد؟ اگر قرار است کسی از بی‌حجابی من منحرف شود و به دامن گناه بیفتد به فرض که من رعایت کردم باز هم در جامعه آنقدر بی‌حجاب هستند که او به گناه می‌افتد، پس چه فرقی می‌کند من با حجاب باشم یا بی‌حجاب؟ یا می‌گویند چرا در اسلام اینقدر سخت‌گیری است که حتی یک تار موی زن هم نباید بیرون باشد این تار مو چه ضرری دارد؟ چه فساد ایجاد

می‌کند؟ آن‌ها دنبال انگیزه‌های هستند که با آن می‌تواند حجاب داشته باشند و خودشان را قانع کنند.

مهم ترین شبهات و پرسش‌ها

۱. بی‌حجابی خانم‌ها چه ضرری برای دیگران دارد؟
۲. آیا لزوم پوشش بانوان در قرآن مطرح شده است؟
۳. چه انگیزه‌ای می‌تواند برای حفظ پوشش وجود داشته باشد و به عبارت دیگر فلسفه و حکمت پوشش چیست؟
۴. چرا به مردان نمی‌گویند نگاه نکنید تا زنان مجبور نباشند خود را بیوشانند؟
۵. چرا مردان مجازند هر کاری می‌خواهند بکنند و هرگونه می‌خواهند لباس بپوشند اما زنان باید پوشش را رعایت کنند؟
۶. درست است که من پوشش را رعایت نمی‌کنم و با آرایش و لباس‌های شیک بیرون می‌آیم اما قصد ترویج انحراف و فساد ندارم.
۷. با بودن بی‌حجاب‌های فراوان که در هر حال اثر خود را می‌گذارد رعایت کردن و نکردن من چه تفاوتی دارد؟
۸. اگر همه زنان آزاد باشند مسئله طبیعی و عادی می‌شود؟
۹. چرا حتی یک تار موی خانم‌ها نباید آشکار باشد، یک تار مو چه ضرری دارد؟
۱۰. چرا یک خانم وقتی در یک خانه خلوت هم نماز می‌خواند باید پوشش را رعایت کند؟

این‌ها مهم‌ترین شبهاتی هستند که در بین مردم ریشه گرفته‌اند و بیشترین خانم‌های بدحجاب برای دفاع از بدحجابی خود از این‌ها استفاده می‌کنند. برای همین لازم است این شبهات یکی یکی جواب داده شود تا خانم‌ها گول خورده از گمراهی و بیراهی بیایند.

۱. بی‌حجابی خانم‌ها چه ضرری برای دیگران دارد؟

در پاسخ این شبهه صحبت‌های شهید مطهری را بیان می‌کنیم که ایشان فرمودند: اسلام می‌خواهد انواع التذاذهای جنسی چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج قانونی اختصاص یابد اجتماع منحصرأً برای کار و فعالیت باشد. بر خلاف سیستم غربی عصر حاضر که کار و فعالیت را با لذت جویی‌های جنسی به هم می‌آمیزد. اسلام می‌خواهد این دو محیط را کاملاً از یکدیگر تفکیک کند. (مطهری، ۱۳۹۴، ص ۶۸)

به نظر می‌رسد اگر محیط کار، درس، تحقیق، آزمایش و تولید کالاهای مختلف محیطی خالی از زمینه‌های وسوسه شیطان و دور از نگاه‌های آلوده و سخن‌های غرض آلود باشد میزان موفقیت بیشتر است در برابر هنگامی که توجه هر کسی در این محیط‌ها به جنس مخالف باشد.

نداشتن پوشش مناسب بانوان و مهار نکردن نگاه آقایان و اختلاط زن و مرد در محیط‌های مختلف فعالیت‌های اجتماعی به قدری آثار زیان بار دارد که اگر در آن‌ها دقت شود قطعاً هیچ زن و مرد متعهد و دلسوز جامعه حاضر نیست به چنین وضعی راضی شود. با کمی دقت متوجه می‌شویم که به عدم رعایت پوشش مناسب چه صدمات جدی و مهمی به افراد و جامعه وارد می‌شود. هیچکس حاضر نیست در این جرائم سهیم باشد. اینجا به طور خلاصه برخی از ضررهای رعایت نکردن پوشش بانوان بیان می‌شود.

الف: بر هم خوردن آرامش دولتی

هنگامی که مردان و زنان در جامعه با حالتی برانگیزاننده ظاهر و هر لحظه با صحنه‌های وسوسه

گر مواجه شوند هوس‌ها و امیال نفسانی در افراد جامعه بیدار شده و از آنجا که نفس انسان با رسیدن به یک هوس سیر نمی‌شود و این هوس بازی همچون شعله آتشی می‌ماند که هر چه هیزم به آن برسد فروزان تر می‌شود. از طرفی همه هوس‌ها پاسخ خود را نمی‌یابد و نمی‌تواند بیابد فشارهای عصبی و هیجانات روحی کم کم زیاد می‌شود و نتیجه آن در شکل استرس، نگرانی، بد اخلاقی و... ظاهر می‌شود.

ب: سست شدن بنیاد خانواده

مردی که هر روز ده‌ها زن آرایش کرده و بی‌حجاب را می‌بیند و در محیط کار و در مسیر حرکت به آنان مواجهه می‌شود به ویژه هنگامی که لبخند و سخنان صمیمی و دلنشین آنان را می‌بیند، می‌شنود، وقتی به خانه می‌رسد از مشاهده همسر خود که از زحمات کار روزانه خسته و غبار گرفته است لذت نمی‌برد. در این صورت کافی است که از تعهد و تقوا هم کم بهره باشد تا همسر خود را با آن بانوان مقایسه کند و در نتیجه از زندگی خود دلسرد گردد و زمینه انحراف و کژروی و احياناً جدایی فراهم شود. بارها در جراید خوانده یا از اشخاص شنیده‌ایم که آقای با خانمی که در محیط کار و تحصیل اوست ازدواج کرده و به تقاضای او همسر قبلی خود را طلاق داده است. افزایش طلاق، افزایش تعداد کودکان فراری و خیابانی، کثرت فرزندان نامشروع که ناشی از اختلافات

خانوادگی و بی‌میلی زن و شوهر نسبت به ادامه زندگی است قابل انکار نیست. بیشتر این موارد ریشه در توجه به زنان و مردان کوچک و خیابان و محل کار دارد. آیا تا حالا تصور کرده‌ایم چرا جوانان امروز کمتر میل به ازدواج دارند؟ قدیم که محیط عمومی از خودنمایی زنان محفوظ‌تر بود شیرین‌ترین آرزوی جوانان ازدواج بود و در سنین ابتدایی بلوغ جوانان به سراغ ازدواج می‌رفتند. اما متأسفانه امروز می‌بینیم برخی از جوانان زمانی که نشاط و شور دارند به کامجویی از دختران و زنان بی‌حجاب مشغولند و زمانی ازدواج می‌کنند که زن را تنها برای خدمتکاری و خلاصی از اصرار والدین به ازدواج می‌خواهند. این‌ها هیچ نشاطی برای زندگی ندارند. آیا اگر این همه صحنه‌های برانگیزاننده و چهره‌ها و آرایشی‌های گوناگون را نمی‌دیدند باز همچنین بود؟ چه کسی باید خسارت از هم پاشیدگی خانواده‌ها، دربدری فرزندان، افزایش اضطراب‌ها و فشارهای عصبی و تبعات این وضع را بپردازد؟

آیا خانمی که به عدم رعایت پوشش لازم و لباس‌ها و زینت‌ها و آرایش‌های مهیج در کوچک و خیابان و محل کار ظاهر می‌شود متوجه آثار عمل خود هست و آیا ممکن است عامدانه چنین کند؟

ج: تضعیف فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی در جامعه

حالا یک سوال، در کارگاهی که همه مرد باشند یا اگر همه زن باشند کارها بهتر و به دقت بیشتر انجام می‌شود یا آنجا که دائم توجه مردی معطوف قیافه خانمی آراسته باشد و بالعکس؟

آیا در کلاسی که پسر و دختر در فکر ارتباط با یکدیگر مشاهده طرز لباس پوشیدن و راه رفتن و حرف زدن یکدیگر هستند بیشتر تحصیل علم و کمال می‌شود یا آنجا که افراد همجنس در کلاس هستند و تمام توجه معطوف درس و استاد است؟

بسیار روشن است که اختلاط زن و مرد و عدم رعایت پوشش لازم از سوی برخی زنان و نیز روحیه هوسرانی برخی مردان ذهن‌ها را مشغول می‌کند و بازده کار را کاهش می‌دهد. علاوه بر این بارها اتفاق افتاده جوانی که به علاقه مشغول فعالیت اقتصادی یا با اشتیاق مشغول تحصیل بوده با مشاهده زنان و دختران جوانی که بدون پوشش صحیح و با خودنمایی و جلوه فروشی‌های مسموم در جامعه ظاهر شده‌اند تحریک شده و به وادی هرزگی و پوچی درغلطیده و درس یا کار را رها کرده و سر از زندان، مراکز فساد و اعتیاد در آورده است. آیا جبران خسارت ضایع شدن عمر این جوان‌ها کار ساده‌ای است؟ و آیا از ضرری که از این ویرانگری‌های فکری و فرهنگی متوجه جامعه می‌شود خسارتی ناچیز و قابل جبران است؟

د: افزایش ناامنی و خیانت

سارقان همیشه در پی سرقت و تصاحب اموال دیگران هستند اما هنگامی که شخصی بی احتیاطی می کند و مثلاً در خودروی خود را باز می گذارد یا درب منزل را نمی بندد و یا طلا، جواهرات و پول خود را در معرض دید قرار می دهد بیشتر در معرض دستبرد قرار می گیرد چرا که سارقان زمینه را برای فعالیت خود مهیاتر می بینند.

همینطور افراد بیمار دل و کسانی که دنبال هوسرانی و کامجویی هستند وقتی خانمی را می بینند که پوشش لازم را ندارد و یا در مکان های عمومی با آرایش و لباس های برانگیزاننده حضور پیدا کرده بیشتر تحریک می شوند به او تعرض می کنند و با ایجاد مزاحمت های مختلف به اذیت و آزار می پردازند تا آنجا که آبرو و حتی جان چنین خانم هایی بارها دست این گونه افراد به خطر افتاده است.

اگر پرونده جنایی که با عنوان های نظیر خفاش شب، گروه عقرب، گروه باغ آلو و... محاکمه شده اند را مرور کنیم، می بینیم تقریباً تمام کسانی که به دام اینان افتاده و پس از تحمل آزارهای فراوان جان خود را از دست داده اند خانم هایی بوده اند که پوشش لازم و خدایسند را نداشته اند و متأسفانه اینگونه قربانیان حوادث ناگوار کم نیستند و شکی نیست که اکثر آن قربانیان هرگز نه قصد ایجاد ناامنی در جامعه داشته اند و نه از جان خود سیر شده بودند بلکه به گمان خود می خواستند با لباس و آرایش مورد علاقه خود در کوچه و خیابان ظاهر شوند. غافل از اینکه این کار چه نتایج تاسف باری به دنبال دارد. تداوم چنین مسائلی باعث افزایش ناامنی و فساد در جامعه و از بین رفتن آسایش فردی و اجتماعی خواهد شد.

ه: کم شدن ارزش و احترام زن در خانواده و جامعه

هنگامی که زنان در جامعه خودآرایی و خودنمایی نکنند و زینت و آرایش و دلربایی را به محیط خانواده محدود کرده ویژه همسران خود قرار دهند هر مردی برای همسر خود ارزش و احترام لازم را قائل است و نعمت زیبایی، وسیله ای برای گرمی زندگی، حفظ حرمت همسران می شود. اما زمانی که این کار همگانی شود و هر مردی به راحتی از ده ها زن در کوچه و خیابان با نگاه و ارتباط نادرست بهره برد دیگر حرمت جایگاه زنان و نقش اصلی و امتیازات واقعی آنان به فراموشی سپرده خواهد شد و زنان تنها وسیله ای می شوند برای کامجویی مردان و ادار. چنین شرایطی است که ممکن است مردی در کمال بی انصافی و نمک ناشناسی به همسر خود بگوید زن هر چه بخواهم در کوچه و خیابان ریخته است.

چه زشت است این تعبیر و چه سنگین است جرم کسانی که سبب می‌شوند ارزش زن تا این حد پایین بیاید.

از این دردناک‌تر سوء استفاده برخی پول پرستان و دنیا طلبان از دختران و زنان و تبدیل کردن آنان به کالا و بلکه کمتر از کالا است.

چقدر تاسف‌آور است که می‌بینیم برای فروش یک کالا و به دست آوردن پول بیشتر از چاپ عکس یک خانم روی جعبه‌ی آن استفاده می‌کنند و همین طور برای جلب مشتری بیشتر فروشنده خانم در فروشگاه‌ها می‌گذارند و برای افزایش تماشاچیان یک فیلم کسانی را که حاضرند خودنمایی بیشتر کنند به کار می‌گیرند. آیا این استفاده ابزاری از زن توهین به مقام زن نیست؟ آیا زنانی که خود را از نگاه دیگران حفظ نمی‌کنند باعث این بی‌حرمتی‌ها نسبت به خود و دیگر زنان نشده‌اند؟

موضوع ابزار شدن زنان و سوء استفاده از چهره و زیبایی آنان به حدی گسترش یافته که گاهی در جراید می‌خوانیم حتی زنانی که به نظر می‌رسد انسان‌هایی هنرمند مفید و آگاهی بخش هستند خود به این حقیقت تلخ اعتراف می‌کنند. در روزنامه‌ی خراسان اعترافات یک هنرپیشه معروف سینما نوشته شده است که می‌گوید:

من خودم را ستاره به معنای کسی که فروش یک فیلم را تضمین کند نمی‌دانم. منتقدان مطبوعات و نشریات در نقد فیلم‌های من زیاد به بازی‌هایم توجه نمی‌کنند. این روزها احساس بدی به من دست داده است. خیلی بد است که یک بازیگر به این نتیجه برسد تماشاگران صرفاً برای دیدن چهره‌اش به سینما می‌آیند نه بخاطر بازی‌اش. خودم به این نتیجه تلخ رسیده‌ام که باید در بازی‌هایم تجدید نظر کنم. (روزنامه خراسان دوشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۸۰)

بله! این نتیجه بسیار تلخ است که به جای توجه به هنر، علم، تلاش و فعالیت‌های صحیح و رشد آور توجه به جامعه به چهره‌ها و هوس‌ها معطوف شود. اما باید پاسخ این سوال را بیابیم چه کسانی به این سوء استفاده‌ها و این بی‌حرمتی‌ها دامن می‌زنند و چه شیوه پوشش و حضوری زمینه‌ساز این تلخی‌ها است؟

آیا اگر زنان جز با رعایت پوشش و وقار لازم حاضر به حضور در اجتماع نباشند و از عشوهرگری و برخوردهای سبک‌سرانه و وسوسه‌انگیز پرهیز کنند و اجازه استفاده ابزاری از خود را به دیگران ندهند باز هم این رویدادهای تلخ تکرار می‌شود؟

۲. آیا لزوم پوشش بانوان در قرآن مطرح شده؟

بله! اتفاقاً بحث لزوم پوشش بانوان از مواردی است که با صراحت و روشنی در قرآن آمده است.

در دو مورد مسئله پوشش در قرآن مطرح شده؛ یکی در سوره نور آیه ۳۰ و ۳۱ و دیگری در سوره احزاب آیه ۵۹.

البته بر اهمیت عفت و پاکدامنی و حفظ حرمت اجتماع به طرق مختلف و مکرر در قرآن تاکید است اما کیفیت پوشش بانوان در دو مورد به روشنی بیان شده است. اینجا مضمون آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور را به طور خلاصه مطرح می‌کنیم.

در این آیات چند تا نقطه مطرح شده اند که عبارتند از:

- تذکر به مردان در باب پرهیز از نگاه حرام و رعایت پاکدامنی
- نهی زنان از آشکار نمودن زینت‌ها
- پوشاندن گردن و سینه با روسری یا مقنعه
- ذکر موارد استثنا از حکم پوشش
- پرهیز از خودنمایی و جلب توجه نامحرمان

البته نکاتی که مربوط به بحث ما است نکات سوم و چهارم است برای همین به بررسی بیشتر این دو نکته می‌پردازیم.

نهی زنان از آشکار نمودن زینت

در بخشی از آیه می‌خوانیم «ولا یبدین زینتهن الا ما ظهر منها» یعنی زنان نباید زینت‌های خود را آشکار نمایند جز آن مقدار که طبیعتاً ظاهر است.

واژه زینت در لغت به معنای چیزی است که موجب آراستگی است.

در کهن‌ترین متون لغوی عرب می‌خوانیم که «الزین نقیض الشین... والزینه جامع لکل ما یتزین به» (فراهیدی، بی تا، ذیل واژه)

ترجمه: زیبایی نقیض زشتی است... با زینت آنچه را به واسطه آن آراستگی حاصل آید در بردارد.

پس در حقیقت زینت عبارات است از نیکویی در هر چیزی خواه عرضی باشد یا ذاتی، بنابراین زینت در زن هر چیزی است که در شمار زیبایی‌ها و آراستگی‌ها و نیکویی‌ها آید. بنابراین می‌توانیم زینت‌ها را چنین تقسیم بندی کنیم: زینت طبیعی و زینت مصنوعی، زینت طبیعی مانند موی سر و اجزای اندام، زینت مصنوعی هم سه نوع است؛ رنگ، لباس و زیور.

الف: رنگ مانند آنچه با لوازم آرایشی بر روی صورت انجام می‌شود.

ب: لباس مانند برخی مانتوها که رنگ و نقش جالب توجه و تحریک کننده دارد.

ج: زیور مانند النگو و گردنبند.

اکنون که مفهوم زینت روشن شد، دوباره آیه را مرور می‌کنیم، آنان نباید زینت خود را آشکار سازند.

با توجه به مصادیق زینت و مثال‌هایی که زده شده است به روشنی از آیه شریفه استفاده می‌شود که خداوند اجازه نداده است زینت زن یعنی موی سر او آرایش صورت لباس‌های مهیج و زیورآلات او برای نامحرمان آشکار باشند. اما در ادامه آیه می‌فرماید جز آن مقدار که طبیعتاً ظاهر است که این استثنا و توجه به نکاتی که در روایات ما و نیز تفاسیر بعضی از عالمان دینی آمده است شامل گردی صورت مقداری که در وضو شسته می‌شود و دست‌ها از میچ تا سر انگشتان می‌شود. این است از زینت‌های طبیعی، اما از زینت‌های مصنوعی هم چیزهایی مانند حلقه ازدواج که هدف از داشتن آن اعلام تعاهل و ازدواج است و به قصد جلب توجه نامحرمان نیست از قاعده پوشیدگی مستثنا شده. پس غیر از این قسمت‌ها بقیه بدن زینت‌ها را باید از نامحرمان پوشاند.

پوشاندن گردن و سینه با روسری یا مقنعه

در این آیات مطرح شده است پوشاندن گردن و سینه به وسیله روسری یا مقنعه.

در ادامه آیه می‌خوانیم «و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن»

واژه «خمر» جمع «خمار» در اصل به معنای پوشش است ولی معمولاً به چیزی گفته می‌شود که زنان با آن سر خود را می‌پوشانند مانند روسری و مقنعه. «جیوب» جمع «جیب» به معنای یقه پیراهن است که از آن به گریبان تعبیر می‌شود و گاه به قسمت بالایی سینه به تناسب مجاورت با آن نیز اطلاق می‌شود.

زنان قبل از نزول آیه دامنه روسری خود را به شانه‌ها و پشت سر می‌افکندند به طوری که گردن و کمی از سینه آنها نمایان می‌شد. خداوند بعد فرستادن این آیه، دستور داد زنان روسری خود را بر گریبان خود بیفکنند تا هم گردن و هم آن قسمت از سینه که بیرون است پوشیده باشد. (شیرازی، ۱۳۹۲، ج ۱۴، ذیل آیه)

پس ما می‌بینیم که بحث پوشش بانوان و کیفیت آن به صراحت و روشنی در آیات قرآن مطرح شده و اکنون که فهمیدیم رعایت پوشش خواست خداوند عزیزمان است به توضیح نسبت به فلسفه و حکمت آن می‌پردازیم.

۳. حکمت و انگیزی‌های پوشش

بعضی از خانم‌ها سوال می‌پرسند که من به چه انگیزه‌ای پوشش داشته باشم و چرا از انواع لباس‌های مدل روز و آرایش‌ها استفاده نکنم؟

اگر ما با خودمان دقایقی را به این کار اختصاص بدهیم، با خودمان خلوت کنیم و درباره این موضوع بیندیشیم انگیزه‌های ارزشمندی پیدا می‌کنیم. در واقع ارزشش را دارد

آدم برای گزینش یک شیوه زندگی صحیح وقت صرف کند چرا که زندگی به منزله‌ی جاده‌ای است که در آن روان هستیم؛ هر روز، هر هفته، هر ماه مقداری از این مسیر طی می‌شود و راه بازگشتی هم نداریم. اکنون از چند مرحله عبور کرده ایم؛ نوزادی، کودکی، نوجوانی و همینطور در حال گذر و حرکت هستیم. آیا سزاوار نیست ساعتی فکر کنیم و جهتی را انتخاب کنیم که به ترکستان نباشد؟

هر بانوی مسلمان می‌تواند به انگیزه‌هایی که در این مقاله در ذیل مطرح شده است پوشش مناسب داشته و حضورش در جامعه حضوری سالم و مفید باشد.

الف: اِزارِ صداقت در دوستی با خداوند

بدون تردید همه ما بارها شاهد بوده‌ایم که افرادی به خودمان یا به دیگران اظهار دوستی و علاقه و ارادت کرده و گاهی از الفاظی نظیر چاکرم، مخلصم، فدایت شوم و... استفاده کرده‌اند. اما فرض کنید روزی به یکی از این افراد بگویید من مبلغی پول لازم دارم.

او در جواب بگوید: شرمندهام اتفاقاً من می‌خواستم همین درخواست را از شما بکنم. روز دیگر به او بگویید: اگر ممکن است فلان کتاب را به من امانت بده بخوانم و او بگوید: اتفاقاً خودم تصمیم گرفته‌ام آن را مطالعه کنم. بار دیگر و بار دیگر هر بار از انجام خواسته شما سرباز زند و تنها به همان چاکرم و فدایت شوم اکتفا کند.

شما درباره او چه قضاوت می‌کنی؟

آیا در دل نمی‌گویی این چه دوستی است که از زبان فراتر نمی‌رود و هیچ نمودی در خارج ندارد؟

اکنون درباره رابطه خود و خدا بیندیشیم. ما به خدای مهربانمان اظهار بندگی و اطاعت و دوستی می‌کنیم اما نشانه صداقت در این دوستی انجام کاری است که او می‌پسندد.

بهترین انگیزه برای پوشش همین است که طرف بخواهد به پروردگار خودش، خالق و رازق و فریاد رس، بهترین دوست خودش اظهار محبت کند و صداقت خود را با گردن نهادن به خواسته‌ی او ثابت کند.

ب: شکر نعمت سلامتی و زیبایی

وقتی انسان سری به بیمارستان می‌زند بیمارانی را می‌بیند که از نعمت سلامتی محرومند، جوان‌هایی را می‌بیند که چگونه روی تخت‌ها افتاده و در آرزوی روزی هستند

که بتوانند به پای خود به محیط خانواده و جامعه بازگردند آنگاه متوجه نعمت سلامتی می‌شود.

این سلامتی و زیبایی که از بزرگترین نعمت‌های خداوند است تشکر لازم دارد و حداقل تشکر و سپاسگزاری این است که به وسیله همان نعمت و بخشنده نعمت مخالفت و معصیت نکند.

در آینه نگاه کنید و لحظاتی به خود ببینید، چه کسی این چشم‌های زیبا را به من داده است؟ این همه ظرافت و دقت؟

راستی! اگر این چشم‌ها نباشد زندگی من چقدر متفاوت می‌شود؟

آیا انصاف است با همین نعمت‌ها با دشمن خدا یعنی شیطان همکاری کنم و خواسته بخشنده این نعمت‌ها را نادیده بگیرم؟

به عنوان مثال اگر روزی شما همراه فرزندان از راهی عبور کنید و چند کودک را ببینید که مشغول بازی هستند، از سبد سیبی که همراه داری به هر کدام سیبی بدهید، ولی آنها نه تنها از شما تشکر نکنند بلکه کمی از آن سیب‌ها را خورده و باقیمانده‌ی آن را به سر و صورت فرزندان بزنند و او را مجروح کنند، قضاوت شما در مورد آنها چیست؟

خداوند سبحان که فرزند ندارد همه مردم بندگان خدا و خانواده او هستند. اگر خانمی به جای شکر نعمت زیبایی و سلامتی سبب بیماری روحی و آسیب دیدن باطن و روان بندگان خدا شود و آنان را از راه سعادت و کمال منحرف کند و به بیراهه هواپرستی و شهوترانی بکشانند چنین فردی چه تفاوتی به آن کودکان ناسپاس دارد.

آری! شکر نعمت زیبایی و سلامتی انگیزه مهم دیگری برای رعایت پوشش خداپسندانه است.

ج: خلع سلاح شیطان

شیطانی که دشمن قسم خورده ما انسان‌ها است همواره در صدد فریبکاری و ضربه زدن به ماست. او در پی زمینه‌هایی می‌گردد که بهتر بتواند انسان‌ها را فریب دهد. برای همین است که وقتی پای پول، مقام، شهرت و منافع در میان است انسان‌ها بیشتر فریب شیطان را می‌خورند و می‌لغزند. زیرا در این گونه موقعیت‌ها شیطان فعالیت و وسوسه‌گری خود را افزایش می‌دهد و می‌کوشد ایمان انسان را برآید. حال اگر ما سبب شویم شیطان در کار خود موفق شود به جای اینکه یاور خدا و دین خدا باشیم خواسته یا ناخواسته یاور شیطان شده‌ایم.

شکی نیست که نداشتن پوشش مناسب و آرایش و خودنمایی زنان از بهترین دام‌ها و وسایل وسوسه شیطان و فریبکاری او است. چه بسیار پاکانی که تسلیم زر و زور نشده‌اند

ولی شیطان آنان را از طریق زنانی بی‌توجه و خام، زمین زده و از بهشت برین به جهنم کشانده است.

بله! بی‌جهت نیست که پیامبر عزیزمان فرمودند «النظر سهم مسموم من سهام ابلیس»

ترجمه: نگاه حرام تیر زهر آلود شیطان است.

یعنی همان‌گونه که یک شکارچی اگر نتواند آهوی تیزپایی را شکار کند با پرتاب تیری او را ضعیف و حرکت او را کند می‌کند و آنگاه به سرعت خود را به او می‌رساند و او را می‌گیرد.

همین‌طور وقتی شیطان می‌خواهد دختر یا پسری با ایمان و متعهد را اسیر خود کند ولی مقاومت او را می‌بیند ابتدا او را وسوسه می‌کند تا با چشمش خیانت کند و با ترغیب او به نگاه حرام نیروی ایمان را در وجود او تضعیف می‌کند و کم‌کم او را به دام خود می‌اندازد.

یکی از انگیزه‌های قوی حفظ پوشش و عفاف و وقار این است که هر بانوی مسلمان و معتقد این سلاح را از شیطان می‌گیرد و او را از خود ناامید می‌کند و اجازه نمی‌دهد شیطان از او سوء استفاده کند و او را در دام گرفتار نماید.

د: تحصیل امنیت فردی و اجتماعی

خانمی که پوشش صحیح ندارد و خود آرایی می‌کند افراد مریض و مغرض را متوجه خود می‌کند. طبیعی است که چنین افرادی مزاحمت‌هایی برای او ایجاد می‌کنند و کم‌کم با شیوع این برخوردها ناامنی در جامعه گسترش می‌یابد. همان‌گونه که قبلاً اشاره شده است، اغلب اسید پاشی‌ها، آدم ربایی‌ها، تعرض‌ها و بی‌حرمی‌ها نسبت به خانم‌هایی صورت گرفته و می‌گیرد که از پوشش خوب و وقار لازم برخوردار نبوده‌اند. پس می‌شود ادعا کرد حفظ امنیت فردی و اجتماعی هم از جمله انگیزه‌های قوی حفظ پوشش است.

ه: شریک نشدن در جرم و تقصیر دیگران

برخی از خانم‌هایی که با پوشش مهیج و آرایش‌های توجه برانگیز در کوچه و خیابان حاضر می‌شوند می‌گویند ما نه خود اهل هرزگی و خیانت به همسرانمان هستیم نه به افراد فاسد اجازه می‌دهیم که معترض ما شوند و حتی با ما صحبت کنند. پس ما در عین حال که پوشش لازم را نداریم هرگز اجازه نمی‌دهیم از ما سوء استفاده شود و یا به دام افراد شیاد فرصت طلب بیفتیم.

باید به چنین بانوانی گفت وقار و متانت شما در مقابل نامحرمان ستودنی و ارزشمند است اما از دو نکته نباید غافل شد:

نکته اول: پیش از هر چیز وقتی فهمیدیم پوشش بانوان خواست خداوند و فرمان اوست در هر حال باید مطیع او باشیم خواه زمینه سو استفاده شیاطین فراهم باشد خواه نباشد.

نکته دوم: اینکه گاهی اتفاق می افتد مثلاً جوانی با دیدن یک خانم که پوشش مناسب ندارد و با سر و وضعی بر انگیزاننده در خیابان حاضر شده تحت تاثیر وسوسه های شیطانی قرار گیرد و بخواهد مزاحمتی برای آن خانم ایجاد کند اما با برخورد تند او مواجه شود و برگردد. ولی این طوفان درونی، او را به حال خود نمی گذارد و باعث می شود او به سراغ دیگری برود و برای بقیه مزاحمت ایجاد کند. فریب خوردن دختری جوان و جدا شدن او از خانواده، درگیری و ضرب و شتم و گاهی فجایع دیگر همه و همه پیامدهای این وضعیت اند. عامل اصلی این خطاها خسارتها اولین خانمی است که به وضع نادرست خود زمینه ساز این وسوسه ها و اشتباهات شده است. گاهی این اشتباهات به خطاهای بزرگتر و بزرگتر منجر می شود و جرمی بسیار سنگین پدید می آید، البته مسئولیت عمده این وضعیت بر دوش مسبب اصلی و عامل اول است.

یک خاطره تلخی از یک جوان گمراه شده بیان شده است که جوانی پس از درد دل کردن های مفصل، می گفت هر گناهی که شما تصور کنید از من سر زده و آغاز همه این انحرافات دیدن یک منظره مهیج و تحریک کننده بود.

خوب دقت کنید، اگر آن منظره خانمی بی احتیاط باشد که با لباس و آرایش خاص خود این جوان را در معرض سیل وسوسه های شیطانی قرار داده، چقدر جرم او سنگین است و در چه گناهان بزرگ شریک شده در حالی که خود از همه جا بی خبر در دل می گوید من که به کار کسی کار ندارم به راه خودم می روم. خلاصه گاهی رعایت نکردن پوشش و نداشتن وقار لازم انسان را شریک جرم دیگران قرار می دهد.

۴. چرا به مردان نمی گویند نگاه نکنید تا زنان مجبور نباشند خود را بپوشانند؟

مطالبی که گفته شده است دیگر این سوال مطرح نیست زیرا که نه تنها به مردان تذکر داده شده بلکه قبل از هر سخنی در اولین جمله بر همین نکته تاکید شده است. در سوره مبارکه نور آنجا که خداوند می خواهد توصیه کند پوشش لازم را در مقابل نامحرم داشته باشید ابتدا در مورد نگاه مردان توصیه نموده و به پیامبر اکرم می فرماید:

«قل للمومنین یغضوا من ابصارهم»

ترجمه: ای پیامبر به مردان مومن بگو نگاه خود را کوتاه نموده و به حرام چشم ندوزند.

اما بدیهی است نمی‌شود تنها به این تذکر اکتفا نمود، بلکه باید زمینه‌های نگاه حرام هم برچیده شود. همان گونه که برای حفظ امنیت اموال یک جامعه نمی‌توان تنها به مردم توصیه نمود که چشم به اموال دیگران نداشته باشید و در ملک دیگران تصرف نکنید بلکه باید علاوه بر این توصیه اشیای ارزشمند را از دسترس دور نگه داشت، از آنها مراقبت نمود. این است که در فرمان‌های الهی که تنها ضامن حفظ سلامت و امنیت یک جامعه است هر دو جهت رعایت شده و دستور لازم هم به مردان و هم به زنان داده شده است.

۵. چرا مردان مجازند هرکاری می‌خواهند بکنند و هرگونه می‌خواهند لباس بپوشند اما زنان باید پوشش را رعایت کنند؟

در پاسخ این شبهه باید گفته شود که اینطور نیست مردان هیچ تکلیفی نداشته باشند و هرگونه لباس بپوشند از منظر دین بی‌اشکال باشد بلکه چون هدف تمام این دستورات حفظ حرمت اجتماع و تامین امنیت جسمی و روحی جامعه و پیشگیری از نفوذ شیطان و افکار شیطانی در میان انسان‌هاست اگر مردی بداند حضور او در جامعه و وضعیتی خاص مانند پوشیدن لباس آستین کوتاه یا آرایش و پیرایش او دیگران را به گناه وا می‌دارد باید از آن وضعیت اجتناب کند.

اما علت اینکه کمتر به مردان در مورد پوشش تذکر داده شد این است که خداوند زیبایی و جاذبه را در وجود زن قرار داده و مردان عموماً آنچنان تهیج‌کننده نیستند که لازم باشد کاملاً خود را بپوشانند. پس دستور پوشش به تناسب جاذبه و زیبایی داده شده، شاهد این مدعا این است که می‌بینیم در طول تاریخ غالباً زن‌ها صید و مردان صیاد بوده‌اند و همواره در ادبیات و قصه‌ها و اشعارها از جاذبه و زیبایی زنان سخن به میان آمده ولی هرگز شاعری به توصیف زیبایی‌های جسمانی هیچ مردی نپرداخته است. پس می‌بینیم که هرگز مسئله تبعیض بیان زن و مرد مطرح نیست بلکه خداوند حکیم بر اساس واقعیت‌ها ویژگی‌های جسمانی و حالات روحی زن و مرد برای آنان تکالیفی را معین فرمود است.

۶. من قصد ایجاد انحراف و فساد در جامعه ندارم

بعضی از خانم‌ها اینجوری از بدحجابی خود دفاع می‌کنند و می‌گویند گرچه من با آرایش و لباس‌های شیک بیرون می‌آیم اما هرگز قصد ایجاد انحراف و فساد ندارم.

از این خانم‌ها باید چند تا سوال بپرسیم تا اشتباه خود را متوجه شوند.

الف: اگر پس از یک روز پرکار و خسته‌کننده بخواهی به استراحت بپردازی اما همسایه صدای تلویزیون را بلند کند فقط برای اینکه خودش اینطور دوست دارد صدای بلند خوشش می‌آید و به هیچ وجه هم قصد مردم آزاری نداشته باشد آیا صدای تلویزیون او مزاحم استراحت تو نیست؟

ب: آیا هنگامی که در یک روز سرد زمستان سوار تاکسی شده‌ای تا به مقصدی بروی و به دلیل سرما شیشه‌ها هم بالاست مسافر کنار تو سیگاری را روشن کند و مشغول کشیدن شود و در همین حال ضمن عذرخواهی بگوید من برای اینکه گرم شوم سیگار می‌کشم دیگر دود سیگار به سلامتی تو آسیبی نمی‌رساند، آیا از این وضع ناراحت نمی‌شوی؟

ج: اگر کسی به تازگی عصایی خریده و نمی‌داند آن عصا چقدر محکم است به قصد آزمون استحکام عصا آن را بر سر دیگری بکوبد آیا آسیبی به آن شخص نمی‌رسد؟ پس نتیجه‌اش این شد که خطر علی‌رغم قصد سو نداشتن از بین نمی‌رود باید عامل خطر را از بین برد.

۷. با بودن بی‌حجاب‌های فراوان که در هر حال اثر خود را می‌گذارد رعایت کردن و نکردن من چه تفاوتی دارد؟

اگر همه خانم‌هایی که در کوچه و خیابان هستند رعایت پوشش را نمایند باز هم برای حفظ پوشش خدا پسندانه دلایل کافی وجود دارد.

الف: دلیل اول اینکه انسان مسئول گناهان صورت گرفته نباشد. هر کس مرتکب خطایی شود خود مسئول است و باید در دادگاه الهی پاسخگو باشد.

اگر کسی به نحوی با خبر شود که امشب چند سارق قصد دارند از منزل همسایه‌اش که به مسافرت رفته سرقت کنند و یقین داشته باشد حتما امشب قالی‌های همسایه به سرقت می‌رود و او در دل بگوید در هر حال که فرش‌های همسایه از دستش می‌رود پس من خودم آنها را برمی‌دارم. قبل از دزدها به خانه همسایه برود و فرش‌ها را به منزل خود انتقال دهد. پس قضاوت شما درباره کار این شخص چیست؟ اگر برای دفاع از عمل شنیع خود بگوید همسایه که در هر حال فرش‌ها را از دست می‌داد کار من چه ضرر بیشتری برای او داشت؟ پاسخ شما چیست؟

آیا شماها نمی‌گویید، بله! در هر حال فرش‌ها می‌رفت اما آنکه باید پاسخگو باشد متفاوت است؟ اگر سارقان می‌بردند آنان گرفتار می‌شدند بایست خسارت می‌دادند ولی اکنون تو مسئول این خسارت هستی.

در بحث پوشش هم درست است که به بودن افراد بی‌حجاب جوان‌هایی به انحراف کشانده می‌شوند ولی اگر تو پوشیدگی را رعایت نکنی در مسئولیت انحراف و مفاسد ایجاد شده سهیم خواهی بود.

ب: دومین دلیل برای داشتن حجاب با وجود بی‌حجابان کثیر این است که ارزش‌ها حفظ شوند. اگر هنگامی که در جامعه دروغ زیاد شد افراد راستگو هم بگویند با این همه دروغ، راستگویی ما چه فایده‌ای دارد و آنان هم به دروغ‌گویان بپیوندند؟ و یا با افزایش خیانت، امانتداران هم به آنان ملحق شوند؟ با فراوان شدن کسانی که رعایت پوشش صحیح را نمی‌کنند دیگران هم به آنان اقتدا نمایند دیگر ارزش‌ها در جامعه کم‌رنگ می‌شود و نسل جدید به ارزش‌هایی مانند راستگویی امانت داری و... بیگانه می‌شود.

پس یکی از انگیزه‌های مهم عمل به درستی‌ها حتی در شرایطی که کمتر به آنها توجه می‌شود حفظ ارزش‌هاست و اگر کسانی که به ارزش‌ها عمل می‌کنند از موضع خود عقب نشینند و استقامت نمایند امید است علاوه بر حفظ ارزش‌ها دیگران هم به آنان بپیوندند و کم‌کم صفات پسندیده در جامعه رواج یابد.

ج: دلیل سوم اطاعت از پروردگار و محترم شمردن دستور خداوند است.

حتماً همه ما می‌دانیم که حکم خداوند با بی‌توجهی برخی افراد و حتی عمل نکردن همه انسان‌ها از بین نمی‌رود. پس هر چند خیلی‌ها به مسئله پوشش که دستور به خواست خداوند است بی‌توجه می‌شوند باز این برنامه قرآنی به قوت خود باقی است و باید به آن احترام گذاشت.

۸. اگر همه زن‌ها آزاد باشند مسئله طبیعی و عادی می‌شود

یکی دیگر از شبهاتی که درباره مسئله حجاب مطرح می‌شود این است که اگر در جامعه ما گناه و بی‌بند و باری آزاد باشد این مسائل عادی می‌شود و اینقدر مردم حریص گناه نخواهد بود.

البته ممکن است خیلی‌ها با عادی شدن موافق باشند اما به نظر می‌رسد در آن صورت دو چیز طبیعی و عادی می‌شوند.

الف: مرحله‌ای از گناه و فساد عادی می‌شود و افراد به دنبال مرحله جدیدی می‌روند نه اینکه فساد به کلی تعطیل شود. برای جوانی که سیگار به وفور در اختیارش باشد

ممکن است سیگار کشیدن عادی شود اما در این صورت به مواد مخدر قوی‌تر روی می‌آورد.

همان‌گونه که در جامعه ما وقتی پیدا بودند قسمت کمی از جلوی موی سر خانم‌ها عادی شد و هیچکس از دیدن آن تعجب نکرد، باز شدن یقه‌ها، کوتاه شدن مانتوها، بالا رفتن آستین‌ها و مراحل بعد آغاز شد. پس عادی شدن به معنای تمام شدن خطا و خلاف نیست بلکه انتقال به مرحله خطرناک‌تر و پرفساده‌تر است.

ب: عادی شدن آثار و عواقب گناه، تصور کنید خانومی به دیدن دوستش رفته و با لحنی حاکی از تعجب به دوستش می‌گوید: چرا کبریت، چرخ گوشت و چاقو را قایم کرده‌ای و در قسمت‌های دور از دید آشپزخانه گذاشته‌اید؟

در منزل ما که این چیزها در دسترس است و همه چیز هم برای بچه‌ها عادی شده، اینقدر این‌ها را دیده‌اند که برایشان کاملاً طبیعی است. اما پس از چند دقیقه که دوستش از او می‌پرسد چرا محمد کوچولو را با خودت نیاورده‌ای؟ می‌گوید همین دیروز انگشتانش را توی چرخ گوشت فرو کرده بود بردمش بیمارستان. وقتی از او احوال مریم را می‌پرسد می‌گوید او هم با کارد انگشتش را قطع کرده و بر روی تخته کنار محمد در بیمارستان بستری است. موقع رفتن، زمانی که دوستش می‌گوید: ببخشید! جمعه آینده مجلسی داریم اگر اشکالی ندارد قالی اتاق پذیرایی تان را یک روزه به ما امانت بدهید؟ شرمسارانه می‌گوید: شرمندهم همین هفته قبل بچه‌ها با کبریت بازی می‌کردند گل وسط قالی را سوزانده‌اند. یعنی در حالی که به عواقب خطرناک در دسترس بودند، آزاد بودند اعتراف می‌کند در همان حال از عادی شدن سخن می‌گوید. پس آنچه عادی شده مشاهده عواقب کار خلاف است.

واقعیت‌ها و آمار و گزارش‌ها حاکی از این است که در جوامع غربی همان جاهایی که ما گمان می‌کنیم برهنه بودن و آزاد بودن ارتباطات زن و مرد عادی است و بر این اساس هیچ معضلی ندارند فساد و تباهی و تجاوز به حقوق و حدود یکدیگر روز افزون است و از عادی شدن به معنای پایان خطا و خلاف هرگز خبری نیست.

تلویزیون معروف آمریکا سی‌ان‌ان فیلم‌های کوتاهی از حمله به دختران و زن‌ها و کمک خواستن آنان از مردم و پلیس را نشان داد و اضافه کرد که حقیقتاً کار جرم و جنایت در جامعه ی آمریکا به مراحل حاد کشیده شده است به طوری که آمار قتل تعرض جنسی، دزدی و انواع شرارت‌ها روز به روز در شهرهای آمریکا افزایش می‌یابد و پلیس که قادر به جلوگیری از این جرایم نیست به زنان و دختران توصیه می‌کند سلاح گرم یا سرد یا سرنگ‌های مختلف محتوی داروی بیهوشی همراه خود داشته باشند تا بتوانند در برابر حملات افراد شرور از خود دفاع کنند. پس معلوم شد که عادی شدن یک چیزی بمنزله‌ی پایان آن نیست.

۹. چرا حتی یک تار موی خانمها نباید آشکار باشد؟

برای فهم پاسخ این شبهه دو نکته حائز اهمیت است؛
 الف: تمام احکام الهی که بر اساس حکمت و برای خیر و مصلحت ما وضع شده است در کم و زیاد باید رعایت شود. به این مثالها دقت بفرمایید:
 خون نجس است، یک سطل خون نجس است، یک کاسه‌ی خون، یک استکان، یک قاشق و حتی یک سر سوزن خون هم نجس است.
 سرقت مال مردم حرام است و در این مسأله تفاوتی بین یک کیسه گندم و یک مشت گندم وجود ندارد. حتی برداشتن یک دانه گندم هم بدون رضایت صاحبش حرام است.
 غذا خوردن برای شخص روزه‌دار در ماه مبارک رمضان حرام است و روزه را باطل می‌کند. حتی اگر یک دانه برنج را عمداً فرو دهد روزه‌اش باطل می‌شود.
 مسأله پوشش هم همین طور است و وقتی ظاهر بودن موهای سر در مقابل نامحرم حرام است چه تمام سر چه کمی از آن و چه حتی یک تار مو هم حرام است.
 ب: تمام کارهای خطا و نادرست از کم شروع می‌شود و اصولاً شیطان بسیار با حوصله و پرتلاقت است. ابتدا گناه و خطای بسیار کوچکی را پیشنهاد می‌کند و هنگامی که جواب مثبت شنید قدم بعدی را بر می‌دارد، اگر از مادران بپرسیم که روزی بیینی فرزند کوچکت می‌خواهد فقط یک پک به سیگار بزند چرا او را منع می‌کنی؟ مگر یک پک سیگار چقدر ضرر دارد؟ حتماً می‌گوید مسأله یک پک نیست بعد از آن هوس می‌کند، یک سیگار بکشد و بعد یک بسته و پس از مدتی دنبال منقل و وافور خواهد بود.
 آری! درست فهمیده‌اید، در مقابل هر چه نادرست و خطاست باید از اولین قدم ایستاد و از همان اندک پرهیز نمود و گرنه قدم‌های بعدی ناگزیر برداشته خواهد شد. چه ضرب المثل پر محتوایی است که می‌گویند: تخم مرغ دزد، شتر دزد می‌شود.

۱۰. چرا وقتی خانمی می‌خواهد نماز بخواند حتی اگر در

خانه‌ی خلوت هم باید پوشش را رعایت کند؟

این هرگز نباید فراموش شود که خداوند مهربان و حکیم همیشه خیر و سعادت بندگانش را می‌خواهد و هیچ تکلیف الهی بدون حکمت نیست. خواه ما آن را بفهمیم خواه نه، این دستور خداوند هم حکمت‌هایی دارد. می‌تواند مواردی که اینجا مطرح شده است بخشی از آن حکمت‌ها باشد. این موارد در ذیل ذکر شده اند که عبارتند از:
 الف: تمرین کمالات، نماز علاوه بر آثار و برکات فراوانی که دارد، تمرین کمالات است.

در نماز ما ارزش‌هایی مانند: اخلاص، خضوع و خشوع در مقابل پروردگار، ذکر، قرآن، دعا و به فکر همه بودن را تمرین می‌کنیم. پس نماز مجموعه‌ای از کمالات و ارزش‌هاست و از آنجا که پوشش بانوان از نظر خداوند و در قرآن کریم ارزش و کمال زن محسوب می‌شود این کمال هم هر روز و در کنار سایر کمالات تمرین و یادآوری می‌شود.

ب: اعلام آمادگی برای طاعت و بندگی، فرمانده لشگری به سربازان و سپاهیان خود می‌گوید، یک سرباز منظم و وظیفه‌شناس باید همیشه در محیط پادگان با لباس فرم و پوتین حضور یابد. حال تصور کنید اگر یکی از سربازان بخواهد با فرمانده ملاقات کند هنگامی که به دفتر فرمانده وارد می‌شود فرض کنید این دفتر در خارج از پادگان و در ساختمانی دیگر باشد با لباس فرم و پوتین در این ملاقات حاضر شود با عمل خود به فرمانده اعلام کرده است که من دستور شما را اطاعت می‌کنم. پس گاهی کیفیت و شکل حضور گویای حقیقتی است هر چند آن حقیقت به زبان جاری نشود.

یک خانم مسلمان و معتقد و متعهد هم وقتی با پوشش خداپسند در ملاقات با خداوند حاضر می‌شود برای اجرای این دستور حکیمانه خداوند اعلام آمادگی و رضایت نموده است.

نتیجه

از خوانندگان محترم به ویژه خواهران گرامی تقاضا می‌شود که آنچه در این مقاله نوشته شده است در آن اندیشه و فکر کنید و درباره‌ی این نکته بیشتر فکر کنید که دنیا فانی است و زود گذر است، جوانی و جلوه‌های آن با سرعت می‌گذرد. چه بسیار پری‌رویانی که بر سر ازدواج با آنان رقابت‌ها و درگیری‌ها و مسابقه‌ها بود اما سالیان سال است که آن چهره‌های زیبا در زیر خاک آرمیده و چه بسا جز مشتی استخوان از آنان چیزی نمانده باشد و آنچه باقی مانده صرفاً عمل آنان و چگونگی استفاده‌ی ایشان از نعمت زیبایی و سلامتی است.

یک لحظه به یاد روزهای گذشته و کودکی بیفتید وقتی مدرسه می‌رفتید چه ذوق و شوقی داشتید. هر کسی جایی برای خود در کلاس داشت یکی به دیگری می‌گفت جای من کنار پنجره است و منظره‌ی باغچه حیاط را می‌بینم آن دیگری فخر می‌فروخت که من در نزدیکترین نیمکت به معلم می‌نشینم و... اما سالیان سال است که دیگر دانش‌آموز آن کلاس و آن مدرسه نیستید و نه نیمکتی دارید و نه کلاسی و تنها آنچه از شما در آن مدرسه باقی است پرونده‌ها و نمره‌های شماست.

زیبایی جوانی و همه‌ی زیبایی‌های دنیا بسرعت می‌گذرد و فقط نمره‌ی هر کسی در مدرسه دنیا و بهره‌ی هر کسی از بازار دنیا در پرونده‌ی او باقی است. به فرموده‌ی امام دهم توجه کنیم که ایشان فرمودند:

الدُّنْيَا سُوْقٌ فِيهَا قَوْمٌ وَ خَسِرَ آخِرُونَ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۸ ص ۳۶۶)

ترجمه: دنیا بازاری است که برخی در آن سود می‌برند و گروهی زیان.

آری! این حقیقت قابل انکار نیست که دنیا بازاری است هر روز جمعی داخل این بازار و جمعی از آن خارج می‌شوند. عده‌ای با سرمایه‌ی عمر بهترین کالاها را که علم و عمل و جلب رضای پروردگار است از این بازار می‌خرند و با دست پر از آن خارج می‌شوند و عده‌ای سرمایه‌ها از کف داده و سودی نبرده با دست خالی از این بازار می‌روند. پس همان‌گونه که هنگام خرید پارچه وقتی دو پارچه عرضه می‌شود آنها را مقایسه می‌کنیم و ویژگی‌های هر دو را در نظر می‌گیریم و در نهایت هر کدام را با صرفه‌تر یافتیم بر می‌داریم در بین کارها هم باید این مقایسه را انجام دهیم و هر کدام سودمندتر است آن را برگزینیم.

منابع:

- قرآن کریم
- نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۷۴ چاپ اول.
- نیرعباس (فک)، [۱۹۰۰۸.۲۳:۱۵:۳۲]
- جوادی آملی، عبدالله، دین شناسی، اسراء، چاپ اول، قم ۱۳۸۱.
- جوادی آملی، عبدالله، شریعت در آینه معرفت، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۳.
- حسین زاده، محمد، فلسفه دین، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، قم ۱۳۷۹.
- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دارالعلمی بیروت، چاپ اول ۱۴۰۱ ه.ق.
- عاملی، شیخ حر، وسائل الشیعه، مکتبه الاسلامیه، چاپ اول، تهران ۱۴۰۳ ه.ق.
- علیزاده، بیوک، حیات تعقلی اسلام، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۱.
- عدالتیان، مهدی، نامه ای به خواهرم، انتشارات گل محمدی، چاپ چهل و چهارم ۱۳۸۹ ه.ش. مشهد.
- فراهیدی، خلیل ابن احمد، العین بی تا.
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالاضواء، چاپ اول، بیروت ۱۹۸۵.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ۱۱۰ جلد، مؤسسه الوفاء، چاپ اول بیروت ۱۴۰۳ ه.ق.
- مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، ج ۵، صدرا، چاپخانه سپهر، چاپ اول، تهران ۱۳۶۸.
- مطهری، مرتضی، حق و باطل به ضمیمه احیاء تفکر اسلامی، ج ۱، صدرا، چاپخانه سپهر، چاپ اول، تهران ۱۳۶۱.
- مطهری، مرتضی، علل گرایش به مادی گری، صدرا، چاپخانه سپهر، چاپ اول، تهران ۱۳۷۵.
- مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، صدرا، چاپخانه سپهر، چاپ اول، تهران ۱۳۹۴.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سی و دوم، تهران ۱۳۹۲.
- نراقی، احمد، رساله دین شناخت، طرح نو، چاپ اول، تهران ۱۳۷۸.
- نصر، سید حسین، جوان مسلمان و دنیای متجدد، طرح نو، چاپ اول، تهران ۱۳۸۱.

